

رضا غیابی  
کارآفرین و سرمایه‌گذار

## دیرپای‌گرایی

### راهکار توسعه پایدار فردی، اجتماعی و اقتصادی

از گفتگوهایی که سال گذشته با برخی از مدیران ارشد شرکت‌های بخش خصوصی، غیردولتی و دولتی کشور شد، دریافتیم که خطری جدی و کشنده در میان آنها رو به گسترش است. تعریف مدیران ما از آینده، پیوسته در حال نزدیک‌تر شدن به زمان حال است. این به آن معنی است که در حالی که تعریف مدیر دهه ۶۰ از «آینده»، مثلاً ۲۰ یا ۳۰ سال بعد از آن زمان بود، مدیر دهه ۹۰، چراغ روشن‌گر آینده‌اش فقط تا کمتر از یک دهه کنونی را می‌بیند. کوتاه‌مدت‌نگری با خود محدودیت تفکر می‌آورد و در بهترین حالت ما را به توسعه هیچانی و نه توسعه پایدار خواهد رساند.

ایران ما امروز با مسائلی روبه‌روست که کم و کیف آن از مخاطب آگاه پوشیده نیست. بد نیست به عنوان مثال و فقط برای قوام مقصود، از فهرست چالش‌های پنجاه و دوگانه «آینده‌پژوهی ایران در سال ۱۳۹۶» که توسط مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست‌جمهوری تألیف شده، به سه چالش برتر آینده کشور اشاره‌ای کوتاه کنیم: «بحران تأمین آب»، در ایرانی که در بخش نیمه‌خشک و خشک جهان قرار گرفته و میانگین بارش در آن حدود یک‌سوم بارش جهانی است، واقعیت این روزهای ما را تعیین می‌کند. «بیکاری» که خود به دلیل کاهش سرمایه‌گذاری و کمبود نقدینگی در دهه اخیر به وجود آمده، موجبات نگرانی جامعه ایران را فراهم ساخته است که زمینه‌ساز آسیب‌های اجتماعی دیگر از جمله افزایش آمار طلاق در یک دهه گذشته، افزایش مهاجرت، رشد حاشیه‌نشینی در گوشه‌وکنار شهرها، گسترش فقر و نابرابری در بین طبقات فرودست و غیره است که بر اساس این تحقیق نتیجه طبیعی تحمل چنین وضعیتی، چالش سوم یا همان «کم‌امیدی درباره آینده» خواهد بود.

مسائل مذکور، مسائلی با مقیاس ملی هستند و ما را یادگفته آلبرت اینشتین در زمینه حل مسئله می‌اندازند که می‌گوید: «ما هرگز نخواهیم توانست با همان ذهنیتی که باعث به وجود آمدن مشکلات هستند، آنها را حل کنیم». برای رویارویی با مسائل امروز کشور، ابتدا باید مشکل بزرگ‌تری را حل کرد و آن هم «کوتاه‌مدت‌گرایی» است. این پدیده به دلایل بسیاری همه ابعاد جامعه ما را فرا گرفته و درک ما را از واقعیت مخدوش کرده است. کوتاه‌مدت‌گرایی است که منجر به پیشنهاد نرخ بالای سود از طرف بعضی بانک‌ها و به تبع آن، بی‌ثمر شدن نقدینگی‌های شهروندان برای اقتصاد کشور می‌شود. کوتاه‌مدت‌گرایی است که به عنوان مثال، منجر به افزایش نقدینگی در جامعه شده که افزایش نرخ تورم را به دنبال دارد. کوتاه‌مدت‌گرایان، از نظر توده‌ها، مدیرانی توانا و عملیاتی نامیده می‌شوند و دیرپای‌گرایان که کار اصولی می‌کنند مدیرانی کم‌طرفدار! این پدیده در ابعاد شخصی زندگی جوانان جامعه نیز دیده می‌شود. جوان امروز اگر از سد چالش‌های مخصوص نسلش بگذرد و به اصطلاح تبدیل به یک «جوان موفق» شود، غالب

وقت و انرژی خود را باید صرف نیل به اهداف کوتاهمدت کند و مانند کسی است که از نردبانی به سرعت بالا می‌دود بی‌آنکه توجه کند این نردبان وی را بر کدام بام می‌برد! کوتاهمدت‌گرایی افق دید مدیران ما را از تعادل خارج کرده است و در مقابل آن، لزوم تفکر «دیرپای‌گرایی» از روز روشن‌تر است. اما چگونه؟ چطور می‌شود فقط جلوی پای خود را نبینیم وقتی همواره در بحران هستیم و ثبات اقتصادی رؤیایی دور از ذهن است؟ چطور آینده‌نگر باشیم؟ چطور کارهای اصولی بکنیم که تا نسل‌ها اثرشان باقی بماند؟

اولین راهکار «تفکر فرا نسلی» است. تفکری که در آن تصمیمات فقط برای یک طول عمر (که احتمالاً طول عمر حیات، ریاست، مدیریت یا ... خود تصمیم‌گیرنده است)، اتخاذ نشوند. تعجبی نیست که ۸۵ درصد از ۵۰۰ شرکت برتر جهان یا همان ۵۰۰ شرکت فورچون، کسب‌وکارهای خانوادگی هستند. در این تفکر شخص تصمیم‌گیرنده به آن می‌اندیشد که تصمیمی که او امروز می‌گیرد، چه تأثیری بر نسل بعد، دوره بعد و دوره‌های بعد از آن دارد. راهکار دیگر «تفکر بین‌رشته‌ای» است. زمانی که در مورد آینده می‌اندیشیم، مثلاً تصویری از ۱۰ یا ۱۵ سال آینده متصور می‌شویم، چیزی که خواهیم دید احتمالاً حاصل تخیل‌مان است که از لنز فرهنگی‌مان به آینده نگاه می‌کند. مثال خوب این لنز، دیدگاه «فناوری به عنوان راه نجات» است. بسیاری از متخصصان، زمانی که در مورد مشکلات آینده می‌اندیشند، تصورشان احتمالاً آن خواهد بود که فناوری تنها راهکار جدی برای حل مشکلاتشان است. ممکن است چنین نباشد! پیشینیان هم برداشت خود را از آینده داشته‌اند. برداشتی که مثلاً یافتن چیزی به نام «سرزمین موعود» را به عنوان راه‌حل فقر و گرسنگی به آنان پیشنهاد می‌کرده است. ممکن است ما هم مرتکب همین خطای شناختی شویم، با این تفاوت که فناوری را جایگزین سرزمین موعود کرده‌ایم! در واقع به همین اعتبار، هیچ چیز به تنهایی راهکار مسائل آینده نیست. مدیران آینده‌نگر لازم است در زمان تصمیم‌گیری به این موضوع توجه کنند که یک مسئله از طرق گوناگون، از جمله روش‌هایی که مورد علاقه‌شان نیست یا از حوزه تخصص‌شان خارج است، می‌تواند حل شود. نقش هنر، مهندسی، بیولوژی، نانو تکنولوژی، علوم فضایی و ... همه باید در مورد یک مسئله در نظر گرفته شود.

راهکار دیگر «تفکر تلوسی» است که ریشه یونانی و فلسفی دارد. این تفکر فقط هدف و مقصد غایی پدیده‌ها را مورد بررسی قرار می‌دهد. در این حالت شخص یا اشخاص تصمیم‌گیرنده در مورد مسائل روزشان از خود یک سؤال مهم می‌پرسند: «هدف غایی این کار چیست؟». پاسخ این سؤال بسته به افق دید مدیر می‌تواند متفاوت باشد. نکته اینجاست که در شرایط کنونی مدیری که به اهداف کوتاهمدت رسیده باشد، بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد و نیل به اهداف کوتاهمدت مورد تشویق همگان است.

بدیهی است که توضیح در مورد لزوم و تکنیک‌های دیرپای‌گرایی خود مستلزم اراده مدیران ارشد برای به‌کارگیری آن و متخصصان علم مدیریت برای تحقیق و کار جدی می‌باشد. حال اختیار با مخاطب آگاه است که تصمیمات خود را چگونه ارزیابی می‌کند و با چه دید و منظری آنها را مورد قضاوت قرار می‌دهد.